

سؤال بوزه و کونفیوش چگونه بوده‌اند ؟

جواب

بوزه نیز تأسیس دین جدید و کونفیوش تجدید سلوک و اخلاق قدیم نمود ولی بکلی اساس آنان بر هم خورد و ملل بوزیه و کونفوشیه ابداً بر معتقدات و عبادات مطابق اصل باقی و برقرار نماندند . مؤسس این دین شخص نفیس بود تأسیس وحدانیت الهیه نمود ولی من بعد بتدریج اساس اصلی بکلی از میان رفت و عادات و رسوم جاهلیّه بدعت شد تا آنکه منتهی بعبادات صور و تماثیل گردید . مثلاً ملاحظه نمائید که حضرت مسیح بکرات و مرات توصیه بوصایای عشره در تورات و اتباع آن فرمودند و تأکید تشبّث بآن کردند و از جمله وصایای عشره اینست که صورت و تماثالی را پرستش منما حال در کنائس بعضی از مسیحیین صور و تماثیل کثیر موجود . پس واضح و معلوم شد که دین الله در میان طوائف بر اساس اصلی باقی نماند بلکه بتدریج تغییر و تبدیل نماید تا آنکه بکلی محو و نابود گردد لهذا ظهور جدید شود و آئین جدید تأسیس گردد زیرا اگر تغییر و تبدیل ننماید احتیاج بتجدید نشود . این شجر در بدایت در نهایت طراوت بود و پر شکوفه و ثمر بود تا آنکه کهنه و قدیم گشت و بکلی بی ثمر شد بلکه خشک و پوسیده گشت اینست که باغبان حقیقت باز از سنخ و صنف همان شجر نهال بیهمالی غرس نماید که روز بروز نشو و نما نماید و در این باغ الهی ظلّ ممدود گسترده و

ثمر محمود دهد . بهمچنین ادیان از تمادی ایّام از اساس اصلی تغییر یابد و بکلیّ آن حقیقت دین الله از میان رود و روح نماند بلکه بدعتها بمیان آید و جسم بیجان گردد اینست که تجدید شود . مقصود اینست که ملّت کونیوش و بوزه حال عبادت صور و تماثل نمایند بکلیّ از وحدانیّت الهیّه غافل گشته‌اند بلکه بآلهه موهومه مانند اعتقاد قدمات یونان معتقدند اما اساس چنین نبوده بلکه اساس دیگر بوده و روشی دیگر . مثلاً ملاحظه کنید که اساس دین مسیح چگونه فراموش گردیده و بدعتها بمیان آمده مثلاً حضرت مسیح منع از تعدّی و انتقام فرموده بلکه امر بخیر و عنایت در مقابل شرّ و مضرتّ نموده حال ملاحظه نمائید که در نفس طائفه مسیحیان چه جنگهای خونریز واقع و چه ظلمها و جفاها و درندگی و خونخواری حاصل و بسیاری از حربهای سابق بفتوای پاپ واقع . پس معلوم و واضح گردید که ادیان از مرور ایّام بکلیّ تغییر و تبدیل یابد پس تجدید گردد .